

Examining and explaining the concept of interpretation in the Qur'an from the perspective of the parties

(Received: 2022-12-28 Accepted: 2023-1-28)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2022.7.2.9.5>

Ettehad, Farnaz¹

Hoseini, Seyyed Masoom²

Abstract

English The Holy Qur'an is a bright light whose bright light does not fade away. The source and seas of knowledge of the Ummah, whose scope of purposes and meanings of the unseen and intuition is infinite. The Holy Qur'an explains all the truths with eloquence of words, eloquence of style and wonder of order, so that the jurist can deduce divine rulings from it. The sage will reach the truth of the system of beings and the interpreter will reach its meanings and teachings. Among the exegetical discussions, the discussion of interpretation of Quranic verses and concepts has always been the focus of commentators. The discussion of interpretation is one of the basic topics in various Islamic sciences, and any attitude towards this category will have a direct and fundamental impact on all Islamic sciences. The present article deals with the issue of "the truth of interpretation from the point of view of the parties" with a descriptive and analytical method and has reached the conclusion that there is a difference between interpretation and interpretation from the point of view of commentators; As a result, interpretation in the Holy Qur'an and also in Islamic narrations has various examples such as the external realization of the matter, the result and the end of the matter, the interpretation of dreams, etc. and finally, from the perspective of the Shiites, interpretation has been one of the serious topics of the Qur'an scholars and companions of interpretation, and most of the scholars Sunnah.

Key words: English Quran, Tafsir, Tawil, Shia, Sunni

¹. PhD student in University of Mazandaran, Babolsar, Iran, farnazettehad968@gmail.com

². Assistant Professor of the Holy Quran University of Sciences and Education, Amol, Iran
masoomhosseini@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License



نوع مقاله: پژوهشی

بررسی و تبیین مفهوم تأویل در قرآن از منظر فریقین

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۰/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۸)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2022.7.2.9.5>

اتحاد، سیده فرناز^۱

حسینی، سید معصوم^۲

چکیده

قرآن کریم چراغ روشنی است که فروغ تابناکش به خاموشی نگراید. سرچشمه و دریا‌های دانش امت که وسعت مقاصد و معانی غیب و شهودش بی‌نهایت است. قرآن کریم با فصاحت لفظی، بلاغت اسلوب و اعجاز نظم، همه حقایق را تبیین می‌کند، تا فقیه از آن احکام الهی را استنباط کند؛ حکیم به حقیقت نظام موجودات برسد و مفسر به معانی و معارف آن دست یابد. در میان مباحث تفسیری، همواره بحث از تأویل آیات و مفاهیم قرآنی مورد توجه مفسران بوده است. با توجه به اینکه قرآن کریم مشتمل بر آیات محکم و متشابه است. مقصود خداوند متعال از آیات محکم با دلالت ظاهری متن بر معنا قابل کشف و درک است؛ اما در خصوص آیات متشابه چنین نیست؛ بلکه نیاز است آنها را تأویل به آیات محکم نمود؛ از اینرو بحث از تأویل از مباحث مبنایی در علوم مختلف اسلامی است که هر گونه نگرش به این مقوله تأثیر مستقیم و بنیادین در تمام علوم اسلامی خواهد گذاشت. مقاله حاضر، با روش توصیفی و تحلیلی به مسأله «حقیقت تأویل از منظر فریقین» می‌پردازد و به این نتیجه دست یافته است که از منظر مفسرین بین تفسیر و تأویل تفاوت وجود دارد؛ در نتیجه تأویل در قرآن کریم و همچنین روایات اسلامی مصادیق مختلفی از قبیل تحقق خارجی امر، نتیجه و عاقبت امر، تعبیر خواب و ... دارد و در نهایت از منظر شیعیان تأویل در شمار مباحث جدی قرآن پژوهان و اصحاب تفسیر بوده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تفسیر، تأویل، شیعه، سنی

^۱ دانشجوی دکتری الهیات دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران farnazettehad968@gmail.com

^۲ استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، آمل، ایران (نویسنده مسئول)

masoomhosseini@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

قرآن چراغ روشنی است که فروغ تابناکش به خاموشی نگراید و دریایی است که غواصان به ژرفایش نرسند، راه مستقیمی است که رهروانش گمراه نگردند فرقانی است که برهانش سستی نیاید و روشنگری است که اصول و دلایل آن خلل نپذیرد.

قرآن کریم کتاب جاویدان رحمت الهی است. کتابی سراسر برکت و رحمت است که در آن دستور کامل هدایت بشر گنجانده شده است. قرآن همچون سرچشمه‌ها و دریا‌های دانش امت است که هر چه از آن برگیرند کاستی نیابد. هم‌چنین فروشاننده عطش عالمان و بهار دل‌های ژرف‌اندیشان و راه روشن صالحان است.

قرآن به وسعت مقاصد و معانی غیب و شهودش بی‌نهایت است. زیرا شامل «کلمات الله» است و احصای آن برای هیچ کس جز آن که خدای متعال بخواهد ممکن نیست. همانگونه که خداوند فرمود: ﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا﴾ (کهف/ ۱۰۹). بدون شک واضح و مبرهن است که ما مخلوق‌های ذات باریتعالی مصداق این آیه هستیم که فرمود: ﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء/ ۸۵) نه تنها در علم‌النفس (خودشناسی) آگاهی کمی به ما داده شده، بلکه از هیچ یک از ابعاد نظام هستی که در قرآن آمده است شناخت دقیقی نداریم. مقاله پیش‌رو به این مساله می‌پردازد که حقیقت معنایی تأویل در عرف قرآن از نگاه صاب‌نظران و اندیشمندان فریقین چیست؟ و آیا تناسب و نزدیکی میان این دو دیدگاه وجود دارد؟ چه تفاوت‌های مبنایی احتمالی میان نظرات عالمان فریقین درباره معنای تأویل وجود دارد؟ پاسخ به این سوالات در سایه بررسی آراء اندیشمندان دو حذبه شیعه و سنی است؛ البته از آنجا که بررسی موشکافانه تمام آراء در حد این پژوهش نمی‌گنجد آنچه که از اهمیت بیشتری برخوردار است به صورت تحلیلی تبیین شده است.

در نتیجه مقاله حاضر، با توجه به اهمیت افکار و آراء مفسران، مقاله پیش‌رو به دیدگاه فریقین در مورد حقیقت معنایی تأویل در عرف قرآن خواهد پرداخت.



شایان ذکر است که راجع به این موضوع در تفاسیر بسیاری مانند "المیزان"، "مفاتیح الغیب"، "البیان"، "التبیان" و ... بحث شده است. هم‌چنین در کتاب‌هایی که با موضوع و هدف تبیین علوم قرآنی نگاشته شده‌اند مانند "البرهان" زرکشی، "الاتقان" سیوطی، "مناهل العرفان" زرقانی و ... در خصوص تأویل قرآن سخن به میان آمده است اما از این جهت که به صورت بررسی تطبیقی آراء فریقین مطرح شود و تفاوت‌ها و شباهت‌های احتمالی را بازشناسی کند مبحثی بدیع است.

۱- مفهوم شناسی تأویل

در حوزه دانش قرآن به ویژه مبحث محکم و متشابه، واژه «تأویل» مهم و پر کاربرد است که در معنا و مراد تأویل متشابه اختلاف فراوان دیده می‌شود. از آنجا که این واژه در بسیاری از عبارات‌های کتاب و سنت و کلام مفسران به کار رفته و فهم درست آن که مبنای بسیاری از معارف است، مبتنی بر شناخت صحیح این واژه است که از این جهت پژوهش و تحقیق در این باره ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۱- تأویل در لغت

از نظر راغب اصفهانی تأویل از ریشه «أول» به معنای برگرداندن و ارجاع دادن است: «تأویل برگرداندن شیء به هدف و مقصدی است که از آن اراده شده است چه قول باشد و چه عمل» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷: ۷). خلیل بن احمد می‌گوید: «تأویل، تفسیر کلامی است که معانی گوناگونی را بر می‌تابد» (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۶۱). صاحب کتاب معجم مقیاس اللغة، بیانی به ظاهر متفاوت با دیگران دارد و می‌گوید: «أول دارای دو اصل است: الف) ابتدای امر، که واژه «اول» به معنای آغاز از این اصل مشتق شده است، ب) انتهای امر» (ابن فارس، ۱۴۰۷، ۱۵۸/۱). با توجه به این سخن ابن فارس، تأویل دارای دو معنای کاربردی است: اول: بازگشت به ابتدا و اصل و معنای دیگر: بازگشت به انتها و غایت. برخی از نویسندگان معاصر نیز در معنای تأویل به همین نتیجه رسیده‌اند (شاکر، ۱۳۸۵: ۲۶۸).

ابن تیمیه در این خصوص معتقد است: «در تأویل، حقیقت آن چیز که کلام بدان باز می‌گردد. مراد است، هر چند با ظاهرش موافق باشد و این همان معنای اراده شده از لفظ تأویل در کتاب و سنت است». (ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ۳/۳۶).

۱-۲- تأویل در اصطلاح

علمای عامه در معنای اصطلاحی «تأویل» عباراتی دارند که با نظر علمای امامیه تفاوتی آشکار دارد. به عنوان نمونه: «التأویل» صرف الایه الی معنی مُوَفِّقٍ لِمَا قَبْلَهَا و مَا بَعْدَهَا... (سیوطی، ۱۹۷۳: ۱۷۳)؛ تأویل بازگرداندن آیه قرآن است به سوی معنایی که موافق ما قبل آیه و ما بعد آن باشد.

علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «تأویل قرآن عبارت از «حقایق خارجی» است که آیات قرآن در معارف، شرایع و سایر بیاناتش بدان مستند است...» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۳/۳).

در نتیجه بررسی معنای لغوی و اصطلاحی تأویل می‌توان به این معنای جامع رسید: «عدول از معنای ظاهری لفظ و روی آوردن به معنای پنهانی که بنا به دلیل مشخص و برهان نقلی یا عقلی مرجح، و یا هر دو امکان پذیر می‌باشد» (حامد الصالح، ۱۳۹۰: ۱۲).

۱- تفاوت مفهوم تفسیر با تأویل

در معنای تفسیر و تأویل و نسبت بین آن دو نظرات متفاوتی بیان شده است که در حد فرصت این پژوهش به آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱- تساوی

براساس رأی رایج بین قدما مترادف بین دو واژه تأویل و تفسیر بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۴/۳). ابن تیمیه می‌گوید: نزد گروهی از سلف واژه‌های تفسیر و تأویل مترادف یا متفاوت المعنی است. برای مثال وقتی ابن عباس می‌گوید: «من از زمره راسخان در علم هستم و تأویل قرآن را می‌دانم» و یا مجاهد می‌گوید: «عالمان از تأویل قرآن آگاهند» مرادشان از تأویل، تفسیر قرآن است». (ناصحیان، ۱۳۸۹: ۳۹۴).

۲-۲- عموم و خصوص مطلق

«تفسیر اعم از تأویل است و بیشتر کاربرد آن در الفاظ و مفردات است. ولی بیشترین کاربرد تأویل در معانی و جمله‌هاست. تأویل درباره کتب آسمانی استعمال می‌شود. برخلاف تفسیر که در غیر آن نیز به کار می‌رود» (زرکشی، ۱۳۹۱: ۱۴۹/۲).



۲-۳- تباین

علی بن محمد جرجانی می‌نویسد: «تفسیر در اصل کشف و بیان است. تأویل در اصل به معنای بازگرداندن است و در شرع به معنای برگرداندن لفظ از معنای ظاهر به معنای محتمل آن در صورتی که موافق کتاب و سنت باشد. (جرجانی، بی تا: ۳۸-۴۶). علامه طباطبائی معتقد است که «تأویل قرآن از سنخ معانی و مفاهیم الفاظ نیست، بلکه از حقایق خارجی و عینی است که آیات قرآن در معارف و شرایع و سایر بیاناتش بدان تکیه دارد...» (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۲۵/۳).

از طرفی آیت الله معرفت معتقد است: «تفسیر عبارت است از رفع ابهام از لفظ مشکل و مورد آن، ولی تأویل به برطرف ساختن شبهه از متشابه گویند...» (معرفت، ۱۴۱۹: ۱۸/۱).

از آن جا که موارد کاربرد تفسیر و تأویل در قرآن، احادیث و کلام مفسران یکسان نیست، این اصطلاح باید در هر مورد جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. در غیر این صورت، نقض و تأییدها در آرای گوناگون به نقطه واحدی متوجه نخواهد شد.

آلوسی معتقد است که «هیچ یک از آراء ارایه شده درباره فرق تفسیر و تأویل در عرف امروزی علوم قرآنی صحیح نیست؛ زیرا امروزه تأویل، بیان معانی ربانی و قدسی است که از طریق اشاره در قلوب عارفان جای می‌گیرد و تفسیر چیزی جز بیان معانی ظاهری عبارات و الفاظ نیست» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵/۱).

۲- کاربرد تأویل در قرآن کریم

واژه تأویل، در قرآن کریم هفده بار به کار رفته است، این موارد با توجه به متعلق واژه در هر مورد به سه گروه قابل تقسیم است:

الف: تأویل کلام (ال عمران/۷، اعراف/۵۳ و یونس/۳۶)

ب: تأویل فعل (کهف/۷۸ و ۸۲، نساء/۵۹ و اسراء/۳۵)

ج: تأویل رویا (یوسف/۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰ و ۱۰۱)

با توجه به آیات مذکور و با دقت در موارد استعمال تأویل در آیات و اقوال علما درباره آن، می‌توان درک کرد که تأویل در قرآن در معانی متعددی به کار رفته است؛ اگرچه بازگشت همه این معانی به یک حقیقت است، از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۲- تحقق خارجی امر

از جمله معانی که برای تأویل در قرآن مطرح شده است تحقق خارجی امر است؛ این معنا را از خود آیه قرآن می‌توان استنباط کرد: ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ...﴾ (اعراف/۵۳)؛ «آیا جز این است که انتظار تأویل (وقوع خارجی) آن را می‌برند روزی که وقوع خارجی آن محقق شود...». تأویل در آیه شریفه به معنای وقوع خارجی وعده‌های قیامت است.

۲-۲- علت و غرض

﴿سَأَنبِئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا﴾ (کهف/۷۸)؛ «آن عالم گفت: این (سه بار کم‌ظرفی و بی‌صبری و اعتراض، عذر) مفارقت بین من و توست، من همین ساعت تو را بر اسرار کارهایم که بر فهم آن صبر و ظرفیت نداشتی آگاه می‌سازم». استعمال لفظ تأویل در آیه شریفه برای بیان علت و غرض اصلی است که در داستان حضرت موسی علیه السلام و خضر علیه السلام بیان شده است.

آلوسی در ذیل آیه: ﴿ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا﴾ (کهف/۸۲) چنین تفسیر می‌کند که در حقیقت همان علت غایی واقعه است. وقتی خضر کارهای به ظاهر منکر خود را برای موسی علیه السلام بیان کرد گفت: این است علت و هدف کارهایی که تو بر آن شکیبایی...» (آلوسی ۱۴۱۵: ۴/۱).

۳-۳- نتیجه و عاقبت امر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (نساء/۵۹) در آیه شریفه فوق تأویل به معنای پیامد و عاقبت است. مجاهد در این زمینه معتقد است «أَحْسَنُ جَزَاءً» جزایش نیکو است (فخر رازی ۱۳۵۲: ۴۲/۳).



۳-۴- تعبیر خواب

در سوره مبارکه یوسف حدود ۸ آیه در رابطه با تعبیر خواب آمده است، و مقصود از «تأویل» در این آیات تعبیر خواب است. ﴿هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ...﴾ (یوسف/۱۰۰)؛ «این تعبیر رویای قبلی من است». بیضاوی درباره این آیات می گوید: «مقصود این است که خداوند به یوسف در زمین تمکن داد و علم احادیث به وی آموخت تا عدل را بر پا دارد و تدبّر در امور کند و معانی کتاب خدای تعالی و احکام آن را در یابد و اجرا کند و یا تعبیر خوابها، حوادث آینده را بشناسد و با تدبّر از آنها جلوگیری کند (بیضاوی ۱۴۲۰: ۲۸۰/۳).

صاحب کتاب مجمع البیان می گوید: «مقصود از تأویل احادیث، تعبیر رویاست به این جهت که اوضاع و احوال مردم از خوابهایشان معلوم می شود و معنای تأویل بازگشت کار آنان است به آن چه در خواب دیده اند. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۳۲۰/۵).

۳-۵- رأی باطل

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ (آل عمران/۷)؛ «کسانی که در دل‌هایشان میل به باطل هست پیرو متشابهات قرآن می شوند تا با تأویل آن مطابق رأی باطل خود فتنه‌گری پردازند».

عیاشی ذیل آیه شریفه روایتی را از پیامبر ﷺ نقل می کند که فرمودند: «مَن بر سر تنزل قرآن با مشرکین جنگیدم و علی عليه السلام بر سر تأویل قرآن با منافقان خواهد جنگید» (عیاشی ۱۳۸۰: ۱۵/۱).

۳-۶- باطن

در تفسیر عیاشی از فضل بن یسار روایتی نقل شده است که چنین طرح می شود: «از امام محمد باقر عليه السلام درباره این روایت سوال کردم: «هیچ آیه‌ای در قرآن یافت نمی شود مگر آنکه برایش ظاهر و باطنی است و هیچ حرفی در آن نهاده نشده مگر آنکه برایش حدی و هر حدی هم دارای نظرگاهی است مقصود

رسول خدا ﷺ از ظاهر و باطن چیست؟ حضرت فرمود: ظاهر قرآن تنزیل و باطن آن تأویل آن است...» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۱/۱).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان این روایت را مورد بررسی قرار داده‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که: «برای قرآن کریم مراتب متعددی از معنا وجود دارد که تماماً مورد نظر بوده و بر حسب اختلاف اهلش پیش می‌آید. ظاهر و باطن قرآن دو امر نسبی است، یعنی هر ظاهری نسبت به ظاهرتر از آن باطن محسوب می‌شود و بالعکس، هر باطنی نسبت به باطن‌تر از آن ظاهر نامیده می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۷۳/۳).

کاربرد روایی تأویل

روایات اسلامی معمولاً به تعریف منطقی و جامع مفاهیم دینی نمی‌پردازند. از این رو جستجوی کاربردهای مختلف آنها در فضاها و حوزه‌های گوناگون روایی اهمیت دارد. لذا در ادامه به بیان مختصری از مفهوم تأویل در روایات می‌پردازیم:

۲-۱- روایات حاکی از جایگاه و نقش تأویل

عیاشی به سند خود از امام محمدباقر علیه السلام نقل کرده است: ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾ قال: «يعني تأويل القرآن كله، إلا الله والراسخون في العلم...» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۸۷/۱). در این روایت تصریح شده که تأویل همه قرآن را جز خداوند و راسخان کسی نمی‌داند.

در منابع اهل سنت نیز روایت طبری به نقل از مجاهد قابل توجه است. وی آیه شریفه ۷ سوره آل عمران را چنین تفسیر کرده است: ﴿وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَعْلَمُونَ تَأْوِيلَهُ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ﴾ (طبری، ۱۴۰۹: ۱۰/۳)؛ راسخان در علم تأویل آن را می‌دانند و می‌گویند به آن ایمان داریم.

۴-۲- روایاتی که دانش تأویل را مخصوص خداوند شمرده‌اند:

با این دسته از روایات بیشتر در روایات صحابه و تابعان در منابع اهل سنت مواجه هستیم، هر چند به ندرت در منابع شیعی هم قابل جستجو است.



در روایت عایشه آمده است که ضمن قرائت آیه به صورت استیناف ﴿وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ﴾ گفته است: ﴿كَانَ مِنْ رُسُوخِهِمْ فِي الْعِلْمِ أَنْ آمَنُوا بِمُحْكَمِهِ وَ مُتَشَابِهِهِ وَ لَمْ يَعْلَمُوا تَأْوِيلَهُ﴾ (طبری، همان)؛ رسوخ آنان در علم به این است که به محکمت و متشابهات قرآن ایمان دارند و تأویل آن را نمی‌دانند.

در منابع شیعی روشن‌ترین روایتی که اختصاص تأویل را به خداوند می‌داند، بخشی از خطبه امیرالمومنین علی علیه السلام است که موسوم به خطبه «اشباح» است. «مردی کوفی از امام علیه السلام درخواست می‌کند که خدا را برایش توصیف کند تا محبت و معرفتش افزون گردد به گونه‌ای که گویا به او نگاه می‌کند. امام علیه السلام با شنیدن این درخواست با خشم و غضب مردم را به مسجد فرا خوانده و از توصیف‌ناپذیری خدا آن گونه که او تصور می‌کرد سخن گفتند» (سیدرضی، ۱۴۱۴: خطبه ۷۴/۹۱).

این روایت وجه خاصی از تأویل را حکایت می‌کند که علم آن به خداوند اختصاص دارد تأویل در این وجه ناظر به کُنه ذات و صفات الهی است.

۳-۴- روایاتی که نقش و جایگاه تأویل را در برابر تنزیل یاد می‌کند:

در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام در منابع مختلف آمده است: ﴿... فَرَسَوُلُ اللَّهِ أَفْضَلُ الرَّاسِخِينَ قَدْ عَلِمَهُ اللَّهُ جَمِيعًا مَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مِنَ التَّنْزِيلِ وَ التَّأْوِيلِ...﴾ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۲/۷؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۳۳۴/۱).

۴-۴- روایاتی که تأویل را معادل بطن در برابر ظهر می‌شمارد

در روایتی از امام محمدباقر علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: ﴿ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ﴾ (عیاشی، همان: ۱۱). و در منابع اهل سنت نیز از ابن عباس نقل شده است: ﴿فَظَهْرُهُ التَّلَاوَهُ وَ بَطْنُهُ التَّأْوِيلُ﴾. (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۱۵/۲). با توجه به روایات بیان شده روشن می‌شود که از یک سو براساس برخی روایات، تأویل چیزی دانسته شده که راسخان در علم آن را می‌دانند و براساس برخی دیگر از روایات، راسخان در علم به تأویل متشابهات آگاه نیستند.

۵- تأویل در نگاه عالمان شیعه

مسئله تأویل از دیرباز در شمار مباحث جدی قرآن پژوهان و اصحاب تفسیر بخصوص شیعیان بوده است. و وجود لایه‌های معنایی ناپیدا را برای هر آیه پذیرفته و دستیابی به آن را از منظر لفظ تأویل نامیده‌اند. در ادامه مقاله حاضر به طرح نظر برخی از عالمان در این خصوص اشاره می‌شود:

۵-۱- دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی پس از بررسی تمامی آیات با مفهوم تأویل چنین نتیجه می‌گیرد: «آنچه از آیاتی که لفظ تأویل در آنها وارد است. به دست می‌آید این است که تأویل از قبیل معنای مدلول لفظ. اگرچه خلاف ظاهر باشد نیست. بلکه در مورد خوابها (خواب حضرت یوسف) تأویل خواب حقیقتی است خارجی که در حالت خاص برای بیننده خواب جلوه می‌کند ... بنابراین تأویل هر چیز حقیقت و مصلحتی است که آن چیز از آن سرچشمه و آن چیز به گونه‌ای تحقق دهند و حاصل و نشانه اوست» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴/۳).

ایشان پس از استنباط عرف قرآن و با نگاه معناشناسانه به واژه تأویل که در آیات قرآن ذکر شده است مطالبی را تبیین می‌نماید ولی اشاره‌ای به تأویل خود قرآن ندارد با استفاده از آیه ۷ سوره آل عمران ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ...﴾ به بیان دیدگاه خود درباره تأویل پرداخته است و می‌فرماید: «این معنای تأویل (تأویل هر چیزی حقیقتی است که آن چیز از آن سرچشمه می‌گیرد» در قرآن مجید هم جاری است. برای این که این کتاب مقدس از یک رشته حقایق و معنویات سرچشمه می‌گیرد که از قید ماده و جسمانیت آزاد و از مرحله حس و محسوس بالاتر و از قالب الفاظ و عبارات که دست آورد زندگی مادی ماست بسی گسترده است (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۶۴).

علامه طباطبایی در نهایت حقیقت تأویل را چنین تبیین می‌کند: «حق مطلب در تفسیر تأویل این است که بگوئیم تأویل حقیقتی است واقعی که بیانات قرآنی چه احکام آن، چه مواعظ آن و چه حکمت‌هایش به آن است. چنین حقیقتی در باطن تمامی آیات قرآنی است چه محکم مستند و چه متشابه، و نیز بگوئیم که این حقیقت از قبیل مفهوم‌هایی نیست که از الفاظ به ذهن می‌رسد بلکه امور عینی است که از بلندی



مقام ممکن نیست در چار دیواری شبکه الفاظ قرار گیرد و اگر خداوند آنها را در قالب الفاظ در آورد در حقیقت از «چون که با کودک سر و کارت فتاد» است. و خواسته ذهن بشر را به گوشه‌ای از آن حقایق نزدیک سازد». (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۴۸/۳).

با توجه به دیدگاه علامه طباطبائی می‌توان نتیجه گرفت که تأویل از منظر ایشان، حقیقتی است جدا از عالم ذهن، زیرا آنچه در ذهن وجود دارد، مفهومی بیش نیستند و مفاهیم نمی‌توانند منشأ چیزی قرار گیرند.

۵-۲- دیدگاه ملامحسن فیض کاشانی

صاحب تفسیر صافی درباره تأویل قرآن معتقد است: «برای هر معنایی از معانی، یک حقیقت و روح وجود دارد و یک قالب و صورت گاهی حقیقت، صورتها و قالبهای چندی دارد. الفاظ تنها برای حقایق و روح معانی وضع شده‌اند و از آن جا که حقایق، در قالبها وجود دارند و میان آنها نوعی اتحاد وجود دارد. الفاظ در مورد قالبها به نحو حقیقت استعمال می‌شوند» (فیض کاشانی، بی‌تا: ۳۱/۱).

ایشان هم‌چنین درباره تأویل می‌فرماید: کتاب الهی دو نوع است: «کتاب تدوین» که همان قرآن مجید است و «کتاب تکوین» که عبارت از همه جهان هستی است و خود بر دو قسم می‌باشد: «کتاب آفاقی» که عالم غیرانسانی است و «کتاب انفسی» که جان انسانی است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: ﴿اعلم ان الصورة الانسانية هي اكبر حجج الله على خلقه وهي الكتاب الذي كتبه بيد....﴾ بدان که صورت انسانی بزرگ‌ترین حجت‌های الهی است بر خلقش و او همان کتابی است که خداوند به دست خود نگاشته است. (آملی، ۱۳۶۸: ۳۸۳) پس قرآن کریم، این کتاب تدوین الهی، از مقام غیب، نزول کرده تا به مرحله شهادت و عالم ملک در قالب الفاظ و حروف در آمده است.

و در جای دیگر این عارف بزرگ می‌فرماید: «قرآن حکم الهی است که بر پیامبران و مردم نازل شده است تا به تمام احکام و اسرار آن قیام کنند... پس هر گاه کسی به بعضی از آن، یعنی تفسیر، بسنده کرد و از تأویل دست کشید، امکان دارد آن چه که استنباط کرده است با آن چه وا نهاده و از آن غفلت کرده

مخالف و ناهمساز باشد ... بنابراین بر همه لازم است که به تفسیر و تأویل بپردازند تا به نهایت بطون هفتگانه برسند و نگذارند صدمه‌ای به واجب برسد». (آملی، بی تا: ۳۴۶/۱).

۵-۳- دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) حقیقت قرآن را از شئون ذاتیه و حقایق علمیه در حضرت واحدیت معرفی می‌فرماید: که در این صورت اگر خداوند دارای ظاهر و باطن است: چنان که قرآن فرموده است: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ (حدید/۳). کتاب الهی نیز ظاهر و باطن دارد و اگر در معرفت شئون ربوبیت، حق در علو اعلا و دنوا دنی به مقام جامعیت معرفی شده است». (خمینی، ۱۳۸۴: ۸۱). از نظر امام خمینی (ره) ضرورت توجه به باطن قرآن و لزوم تأویل آیات آن این است که توقف در ظاهر آیات و نرفتن به مغز و باطن، موجب جهل و انکار نسبت به نبوت و ولایت و سبب مرگ و هلاکت است می‌فرماید: «گمان مکن که کتاب آسمانی و قرآن فرو فرستاده ربانی، همین پوسته و صورت است و بدان که ایستادن در حد صورت و ماندن در حد ظاهر و نرفتن به مغز و باطن، مرگ و هلاکت است و ریشه تمامی جهالت‌ها و پایه تمامی انکار نبوت‌ها و ولایت‌ها می‌باشد». (همان، ۱۳۸۴: ۵۹).

۵-۴- دیدگاه ملاصدرا

ملاصدرا، فیلسوف بزرگ عالم اسلام، در این رابطه می‌نویسد: «قرآن دارای درجاتی است و هر درجه‌ای حاملان و حافظانی دارد که پس از اظهارات از حدث و حدوث و پاکی از علایق مکانی و امکانی آن را مس می‌نمایند. ظاهرگرایان قشری، تنها معانی قشری را درک می‌کنند، امام روح قران و مغز و درون آن تنها از سوی «الوالالباب» قابل درک است، البته نه با علومی که از راه تعلم تفکر به دست می‌آید بلکه با علوم بدنی باید متوجه بود که باب وحی مسدود شده ولی باب الهام براساس نیاز مردم همچنان باز است». (ملاصدرا، ۱۳۸۹: ۱۸۹).



۶- تأویل در نگاه اهل سنت

با توجه به آنچه مطرح شد در ادامه لازم می‌نماید مفهوم تأویل در نگاه اهل سنت مورد بررسی قرار گیرد و تبیین شود.

۶-۱- دیدگاه آلوسی

صاحب تفسیر، روح المعانی درباره مفهوم تأویل چنین معتقد است: «برای کسی که سرمایه‌ای اندک از عقل و اندک بهره‌ای از ایمان داشته باشد، شایسته نیست که وجود «بطون» قرآن را انکار کند، بطونی که مبدأ فیاض، آنها را بر دل‌های کسانی از بندگان خود اگر بخواهد افاضه می‌کند». (آلوسی، ۱۴۱۵: ۷/۱).

بسیاری از علمای اهل سنت هم به تأویل صفات خبری اعتقاد دارند که در این قسمت به اقوال بعضی از آنها اشاره خواهد شد. شخصیت‌هایی مانند، زرکشی، غزالی و فخر رازی، معنای اصطلاحی تأویل را عبارت می‌دانند از: منصرف نمودن کلام از معنای ظاهر به معنای محتمل و مرجوعی که دلیل پذیرفتنی آن را تایید کند (زرکشی، ۱۳۹۱: ۴۳۷/۳).

۶-۲- اشاعره و تأویل

از نگاه اشاعره، تأویل ارتباط وثیقی با محکم و متشابه دارد، چنانکه شافعی گفته است: «محکم آن است که تنها یک تأویل می‌پذیرد، ولی برای متشابه احتمال چندین تأویل وجود دارد» (رشیدرضا، ۱۴۲۶: ۱۹۰/۳).

۶-۳- ابن تیمیه و تأویل

ابن تیمیه شناخت تأویل یکی شیئی را آشنایی با وجود عینی آن می‌داند و در جای دیگر می‌گوید: «از دیدگاه علمای متقدم «تأویل» دو معنا دارد:

۱- تفسیر کلام و بیان معنای آن، چه موافق ظاهرش باشد، چه مخالف که به نظر این گروه «تفسیر» و «تأویل» مترادف هستند.

۲- بعضی از علمای متقدم می‌گویند، تأویل حقیقت کلام است. پس اگر کلام طلبی (امر و نهی) باشد تأویل آن امثال مطلوب است و اگر جمله خبری باشد، تأویل آن حقیقت خبر است». (ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ۲۵/۳).

آن چه به نظر می‌رسد این است که ابن تیمیه بین مصداق و تأویل خلط کرده است چون کسی وجود خارجی را تأویل ننامیده است، بنابراین اصلاح منطقی به وجود عینی (مصداق) گفته می‌شود و می‌دانیم که هر لفظ دارای مفهومی است که عبارت است از آنچه ذهن ما آن را در هنگام شنیدن لفظ تصور می‌کند و نیز هر لفظ را مصداقی در خارج است که مفهوم ذهنی لفظ با آن انطباق دارد.

۶-۴- بخاری و تأویل

از بخاری نقل شده که درباره قول پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم «يَضْحَكُ اللهُ إِلَى رَجُلَيْنِ...» گفت: «ضِحْكُهُ رَحْمَتُهُ» (بخاری، ۱۴۲۶: ۸۲/۷) یعنی خندیدن خدا به معنای رحمت اوست.

۶-۵- شوکانی و تأویل

شوکانی که از علمای سلفی به حساب می‌آید بسیاری از آیات صفات را تأویل کرده است به عنوان نمونه در تفسیر آیه ۷۵ سوره ص، ﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيدِي﴾ (خدا گفت ای ابلیس چه چیزی مانع از سجده تو بر آنچه با دو دستم آفریدم شده است) می‌گوید: «ای ما صرفک و صدک عن السجود لما توليت خلقه من غير واسطه» (شوکانی، بی تا: ۶۲۴/۴). یعنی چه چیزی تو را مانع شده و بازداشته از این که سجده کنی برای چیزی که من متولی خلقت آن بدون واسطه شده‌ام.

۶-۶- ابن حجر عسقلانی و تأویل

ابن حجر عسقلانی نیز از جمله کسانی است که معتقد به تأویل صفات بوده و لذا بسیاری از صفاتی که در صحیح بخاری آمده را تأویل کرده است. ایشان در شرح حدیث: ﴿إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا...﴾ می‌گوید: ﴿المراد بِمَحَبَّةِ اللَّهِ إِرَادَةَ الْخَيْرِ لِلْعَبْدِ وَحُصُولَ الثَّوَابِ لَهُ﴾ (شوکانی، بی تا: ۷۸/۱۰).



۶-۷- طبری و قول به تأویل

طبری در ذیل آیه: ﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ﴾ (قلم/۴۲) می‌گوید: ﴿قَالَ جَمَاعَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ مِنْ أَهْلِ التَّأْوِيلِ يَبْدُو عَنْ أَمْرِ شَدِيدٍ﴾ (طبری، ۱۴۱۲: ۳۸/۲۹)؛ جماعتی از صحابه و تابعین از اهل تأویل گفته‌اند که مقصود آیه آن است که با شدت، ظهور و بروز خواهد نمود.

همچنین ایشان در تفسیر آیه شریفه: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ (طه/۵) می‌گوید: «أَيُّ عُلَمَاءَ وَارْتَفَع» (همان)؛ یعنی بلند مرتبه و مرتفع است.

نتیجه:

نتیجه ای که از مجموع آن چه بیان شده به دست می‌آید این است که، تأویل قرآن حقیقت یا حقایقی است عدول از معنای ظاهری لفظ و روی آوردن به معنای پنهانی که بنا به دلیل مشخص و برهان نقلی یا عقلی مرجح، و یا هر دو امکان پذیر می باشد، مطالب و معارفی که در قرآن در قالب الفاظ بیان شده، ریشه در حقیقتی دارد که به عالم دیگر متعلق است و الفاظ تنزل یافته آن حقیقت است و با توجه به دعوت قرآن به تدبر و تعقل در آیات قرآن مجید، معلوم می‌شود که معنای ظاهری قرآن مراد نیست، بلکه هدف از نزول قرآن این است که آیاتش سرچشمه فکر و اندیشه است و تأویل آیات، از دیدگاه شیعه و بیشتر علمای اهل سنت مورد تأیید و پذیرش می‌باشد. چون حقیقت اصلی آیات قرآن همان تأویل آیات است که عینیت خارجی دارد و مفاهیم قرآن به آن بر می‌گردد.



منابع:

*قرآن کریم

*نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی: ۱۴۱۴ق. قم، هجرت.

- ۱- آلوسی، سید محمود: ۱۴۱۵ق، روح المعانی. بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۲- آملی، سیدحیدر: ۱۳۶۸، جامع الاسرار و منبع الانوار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۳- _____: بی تا، المحيط الاعظم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم: ۱۴۲۶، التفسیر الکبیر، چاپ عبدالرحمان، بیروت.
- ۵- بخاری، محمد بن اسماعیل: ۱۳۹۱، الصحیح.
- ۶- بیضاوی، عبدالله بن عمر: ۱۴۲۰، انوار التنزیل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۷- جرجانی، علی بن محمد: بی تا، التعریفات، ناصر خسرو، تهران.
- ۸- حسکانی، عبیدالله بن احمد، ۱۳۹۳، شواهد التنزیل، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- ۹- خمینی، روح ا...: ۱۳۸۴، آداب الصلوٰه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- ۱۰- _____: ۱۳۸۴، شرح دعای سحر، ترجمه سیداحمد فهری، چاپ اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- ۱۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد: ۱۴۲۷، المفردات، قم، طلیعه نور.
- ۱۲- فخرالدین رازی، ابو عبدالله: بی تا، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۳- رشید رضا، محمد: ۱۴۱۴ق، المنار، بیروت، دار المعرفه.
- ۱۴- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله: ۱۳۹۱، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- ۱۵- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر: ۱۴۱۶، الاتقان، قاهره، هیئته المصریه العامه للکتاب.
- ۱۶- شاکر، محمد کاظم: ۱۳۸۸، علوم قرآنی، گنج معرفت، قم.
- ۱۷- شوکانی، محمد بن علی: بی تا، فتح القدر، دار ابن کثیر، دمشق.

- ۱۸- طباطبائی، سیدمحمدحسین: ۱۳۶۰، قرآن در اسلام، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، تهران.
- ۱۹- _____: ۱۳۹۳ق، المیزان فی تفسیر القرآن، اسماعیلیان، قم.
- ۲۰- طبری، محمدبن جریر: ۴۱۲ق، تفسیر طبری، بیروت.
- ۲۱- _____: ۱۴۰۹ق، تاریخ طبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن: ۱۴۰۶، مجمع البیان، بیروت: دارالمعرفه.
- ۲۳- عیاشی، محمد بن مسعود: ۱۳۸۰ق، تفسیرالعیاشی، تهران، اسلامیه.
- ۲۴- فراهیدی، خلیل بن احمد: ۱۴۱۴، العین، موسسه نشر اسلامی، قم.
- ۲۵- فیض کاشانی، محسن: بی تا، الصافی، بیروت، موسسه الاعلمی.
- ۲۶- معرفت، محمد هادی: ۱۴۱۹ق، التفسیر و المفسرون فی ثوبه التشیب، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
- ۲۷- مجلسی، محمد باقر: ۱۴۰۶ق، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۸- ملاصدرا، محمدبن ابراهیم: ۱۳۸۹، مفاتیح الغیب، مترجم، محمدخواجهی، مولی، تهران.
- ۲۹- ناصحیان، علی اصغر: ۱۳۸۹، علوم قرآن در مکتب اهل بیت، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد.

References:

The Holy Qur'ān

Nahj al-Balaq, gathered by Sharīf Radhī, Qom, hījrat, 1414AH.

1-Ālūsī, Mahmūd ibn 'Abd Allāh, Rūh al-Ma'ānī, Beirut, Dār al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH.

2-Āmulī, Sayyid hiydar, Jāmi' Al-Asrār wa Mnba' Al-Anwār, Tehran: Scientific and cultural publication, 1368SAH.

3-_____ Al-Muhīh Al-A'zam, Ministry of Culture and Islamic Guidance, no date

4-Ibn Tīmīya, Aḥmad b. 'Abdulḥalīm, Al-Tafsīr Al-Kabīr, Beirut: 'Abdulrahmān, 1426AH.



5-Ibn Fāris, Aḥmad, Maqāyīs al-Luqa, Qom, Sāzmāne Tablīqāte Eslāmī, 1417 AH.

6-Būkhārī, Mūḥammad ībn īsmā'iel, al-Saḥīḥ, 1391 SAH.

7-Baydhāwī, 'Ābdullāh b. 'Ūmar, Anwār al-Tanzil, Beirut, Dār Ihyā' at-Turāth al-'Ārabī, 1420 AH.

8-Jorjānī, 'Alī b. Muḥammad, Al-Ta'rifāt, Tehran, Nāṣir Khosruw, no date

9-askānī, 'Ubaydallāh b. Aḥmad, Shawāḥīd al-Tanzīl, Tehrān, Wīzārat Irshād Islāmī, 1393 SAH.

10- Khomiynī, Seyyed Rūḥullā, Ādāb Al-Ṣalāt, Tehran, Imam Khomeini Institute for Publishing, 1384SAH.

11- ———, Sharḥi Du'āyi Saḥar, translated by Sayyid Aḥmad Fahaṛī, Imam Khomeini Institute for Publishing, 1384SAH.

12- Rāqīb Isfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad, al-Mufradāt, Qom, Ṭalī' i NŪ, 1404 AH.

13- Fakhr Rāzī, Abu'Abdullāh, Mafātīḥ al-Qayb, Beirūt, Dār Ihyā al-Turāth al-'Arabi, no date.

14- Rashīd Rīdhā, Muḥammad, al-Manār, Dāral Ma'rifa, 1414 AH

15- Zarkashī, Badr al-Din, al-Burhān fī 'Ulūm al-Qurān, Beirūt, Dār al-Ma'rifa, 1391SAH.

16- Suyūṭī, 'AbdurRahmān b. AbīBakr, al-Itqan, Cairo, al-haya't al-mesrīyal al-'Āmma līl kītāb, 1416 AH.

17- Shākir, Muḥammad Kāzim, Quranic Sciences, Qom, Ganj Ma'rifat, 1388SAH.

18- Shūkānī, Muḥammad b. 'Alī, Faṭḥ Al-Qadīr, Dār Ibn Kathīr, no date.

19- Ṭabāṭabāyī, Sayyid Muḥammad Ḥusiyūn, Quran in Islam, Tehran, Dār Al-Kutub Al-Islāmīya, 1360 SAH.

20- ———, al-Mīzān, Qom, 'Ismā'īlīān, 1393SAH.

21- Ṭabarī, Muḥammad b. Darīr, Tafsīr Ṭabarī, Beirut, no place, 1412AH.

22- ———, Tārīkh Ṭabarī (History of Nations and Kings), Beirūt, Dār al-Kutub al-'Ilmīya, 1409 AH

23- Ṭabarsī, Fadḥl b. Ḥasan, Maḍjma' al-Bayān, Beirūt, Dār al-Ma'rifa, 1406

AH

- 24- 'Ayyāshī, Muḥammad b. Mas'ūd, Tafsīr al-'Āyyāshī, Tehran, Islāmīyyah, 1380 AH.
- 25- Farāhīdī, Khālīl b. Aḥmad, al-'Ayn, Qom, Islamic Publication, 1414AH.
- 26- Fiydh Kāshānī, Muḥsin, Al-Ṣāfi, Beirut, Al-A'lamī, no date.
- 27- M'arifāt, Muhammad Ḥādī, al-Tafsīr wa al-Muffasirūn fī thuba al-Qashīb, Mashhad, Razavi University of Islamic Sciences, 14189 AH
- 28- Majlisī, Muḥammad Bāqir, Biḥar al-Anwār, Beirut, Dār Iḥyā al-Turāth al-'Arabī, 1403 AH
- 29- Mullāṣadrā, Muḥammad b. Ibrāhīm, Mafātīḥ Al-Ghayb, translation by Muḥammad Khājawī, Tehran: Mulā, 1389SAH.
- 30- Nāṣiḥīyān, 'Alī Aṣghar, Quranic Sciences in Aḥl Al-Bayt school, Mashhad, Razavi University of Islamic Sciences, 1389SAH